

اسلام و توسعه اقتصادی، نگرشی چندبُعدی

علی محمد احمدی - عضو هیأت علمی و دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس

بحث توسعه اقتصادی یکی از جذاب‌ترین و در عین حال جدال‌انگیزترین مباحثی است که پس از پایان جنگ جهانی دوم بخش قابل توجهی از مطالعات مربوط به دلایل پیشرفت و یا عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی کشورها را بخود اختصاص داده است. به لحاظ حساسیتی که بحث توسعه در جوامع مختلف دارد این مقوله از زوایای مختلف مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و بسیاری از علمای توسعه تلاش کرده‌اند موفقیت‌ها و ناکامیهای به دست آمده در برنامه‌های توسعه را برای جوامع مختلف به عوامل متعدد مرتبط سازند، در این ارتباط عواملی چون ظرفیت تاریخی، قدرت نهادسازی، بنیانهای فرهنگی، ساختارهای اقتصادی کارآمد، توان تکنولوژیکی و گرایش‌های دینی و مذهبی از جمله عناصری بوده‌اند که در تبیین دلایل پیشرفت یا عقب‌ماندگی مورد توجه قرار گرفته‌اند. اگر چه تجزیه و تحلیل هر یک از عناصر دخیل در فرایند توسعه در جای خود از اهمیت خاص برخوردار است اما یکی از جدالی‌ترین و بحث‌انگیزترین عناصری که در توجیه و تبیین دلایل عقب‌ماندگی یا توسعه در دهه‌های اخیر بطور گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفته نقش دین و مذهب در توسعه اقتصادی و اجتماعی بوده است. در ارتباط با نقش دین در توسعه دیدگاههای متنوع و گوناگونی چه از ناحیه اردوگاه اقتصاد سوسیالیستی و چه از ناحیه اندیشمندان غربی یا اردوگاه سرمایه‌داری ارائه شده است که این تعابیر و برداشت‌ها اگر چه در صورت مختلف به نظر می‌رسند اما از نظر محتوا یک پیام

مشترک در بردارند و آن این است که بسیاری از ادیان قابلیت لازم را برای ایجاد انگیزه و تحریک جوامع به منظور دستیابی به سطح مشخصی از توسعه اقتصادی ندارند و در این راستا در بین ادیان مختلف بطور مستقیم و غیر مستقیم و در گرایش‌ها و اظهارنظرها، آنان این قضیه را در مورد دین اسلام نیز صادق پنداشته‌اند و بر این باورند که اسلام ظرفیت لازم به منظور ایجاد انگیزش و هدایت جامعه به منظور دستیابی به اهداف توسعه را ندارد و احکام و گزاره‌های مربوط به دین اسلام سازگاری چندانی با آموزه‌ها و قانونمندیهای حاکم بر توسعه ندارند. در این مقاله تلاش می‌شود که از زوایای مختلف دیدگاهها و نقطه‌نظرات مختلفی که پیرامون قضیه فوق در جهان غرب از سوی اندیشمندان غربی در چند دهه اخیر مطرح شده است مورد نقد قرار گیرد و از سوی دیگر با بهره‌گیری از تجارب تاریخی و اندوخته‌های فکری و علمی متفکرین جهان اسلام بویژه استفاده از آیات و روایات و رویکرد اقتصادی اسلام نشان داده شود که اسلام به عنوان یک دین الهی نه تنها با توسعه به مفهوم انسانی و تکاملی آن تضاد ندارد، بلکه از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های عقلی، تجربی و علمی بسیاری برخوردار است که می‌تواند در صورت ظهور و ایجاد شرایط لازم، مشوق و تسریع‌دهنده فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی